

## بررسی چگونگی بهره‌گیری از روایات در تفسیر قرآن به قرآن (مطالعه موردی تفسیر سوره بقره از تفسیر تسنیم)

محمدعلی تجری\*

محسن دلیر\*\*

### چکیده

تفسیر که به پرده برداشتن از چهره کلمات و جملات آیات قرآن تعریف شده، روش‌هایی دارد که از جمله آنها روش تفسیر قرآن به قرآن است. در این روش برخی با ادعای کفايت قرآن برای بیان معانی خویش، نیازی به استفاده از روایات در تفسیر آیات نمی‌بینند. در میان تفاسیر شیعه، از جمله تفاسیر مدعی پیروی از این روش، تفسیر تسنیم است. در این تفسیر که تکمله تفسیر المیزان شمرده شده، مفسر با جدا نمودن بخش روایی از بخش تفسیر، تلاش کرده در کشف مدلایل و مقاصد آیات از خود آیات کمک گیرد، از این‌رو مفسر از قرآن‌بسندگان در تفسیر شمرده شده است. این مقاله با مروری در این تفسیر، نشانگر آن است که نمی‌توان مفسر را از قرآن‌بسندگان در تفسیر شمرد؛ زیرا به جز در بخش «بحث روایی» و قسمت‌های «شارات و لطائف» در بخش تفسیر این کتاب نیز در مواردی از روایات استفاده شده است و این خود نقضی بر ادعای قرآن‌بسندگی در این تفسیر و نشانی از عدول مفسر از مبنای خود در تفکیک جایگاه تفسیر قرآن به قرآن از مباحث روایی است. این موارد اغلب در تعیین مصدق و کشف مراد از واژگانی است که در معنای آنها ابهام وجود داشته است.

### واژگان کلیدی

سوره بقره، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر تسنیم، قرآن‌بسندگی.

ma.tajari@yahoo.com

deleer.mohsen@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۸

\*. استادیار دانشگاه قم.

\*\*. دانشجوی دکتری دانشگاه قم. (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۴

### طرح مسئله

درباره چیستی تفسیر قرآن تعاریف مختلفی ارائه شده است، برخی از این تعریف‌ها عبارتند از:

۱. علم فهم قرآن از آن جهت که کلامی الهی است (مهدوی راد، ۱۳۸۲: ۱۲۱؛ دزفولی، ۱۳۵۴: ۲۷)؛
۲. هویدا ساختن مراد خدا از آیات و تبیین مقاصد و مفاهیم آنها (مهدوی راد، همان؛ قرضاوی و سلیمی، ۱۳۸۲: ۶۲۳) با استفاده از وضع الفاظ (حریری، ۱۳۸۴: ۹۱)؛
۳. کنار زدن پرده و نقاب از رخسار کتاب خدا و معنای باطنی قرآن (نوبا و سعادت، ۱۳۷۳: ۱۲۰؛ شاهروdi، ۱۳۸۳: ۵۰)؛
۴. روشن کردن عبارت‌های مشکل و مبهم؛ اعم از متشابه و غیرمتشابه. (معرفت، ۱۳۷۴: ۱۵)؛

در تفسیر تسنیم، تفسیر به بیان مدلول‌های الفاظ و پرده برداشتن از چهره کلمات و جمله‌های «آیات» تعريف شده است، بر همین اساس تبیین حدود، جزئیات و نحوه اجرای آنچه خطوط کلی آن در قرآن کریم آمده از حیطه تفسیر خارج دانسته شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱ / ۱۴۰)

بنابر مبانی مختلف مفسران، روش‌های مختلفی برای تفسیر قرآن پدید آمده است که یکی از آنها روش تفسیر قرآن به قرآن است. در این روش برای فهم هریک از آیه‌ها، از آیات دیگر مدد گرفته می‌شود.

در میان مفسران شیعه، علامه طباطبائی روش تفسیری قرآن به قرآن را محور تفسیر المیزان قرار داده (فهیمی تبار، ۱۳۸۷: ۲۰) و به گونه‌ای جامع، این روش را در آن اجرا کرده است. (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۶۹) پس از ایشان، ادعا شده که مشرب تفسیر تسنیم، همان مشرب المیزان یعنی تفسیر قرآن به قرآن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۰) که توانسته کاستی‌های احتمالی آن و دیگر تفاسیر پیرو این روش را برطرف (پیروزفر و ناجی صدره، ۱۳۹۱: ۱۱۲) و به کمال و تمام خود نزدیک سازد (فهیمی تبار، ۱۳۸۷: ۲۰)، تا جایی که آن را تکمله «المیزان» دانسته‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۱)

تفسیر تسنیم، از جهت ساختار اصلی پیرو تفسیر المیزان (یدالله پور، ۱۳۸۷: ۱۱) و باورمند به روش تفسیر قرآن به قرآن است، اما تفاوت‌هایی میان آنها مشاهده می‌شود که از آن جمله تفاوت در محتواهی تفسیر است؛ زیرا اگرچه جایگاه بحث‌های روایی در تفسیر المیزان جدا و مشخص شده، اما در مقام تفسیر، میان مباحث قرآنی و روایی، تفکیک نشده، اما در تفسیر تسنیم، افزون بر جداسازی جایگاه این دو بحث، در خود بحث تفسیری نیز این تمایز رعایت شده است؛ یعنی در بیان معانی قرآن، از خود قرآن کمک گرفته شده و در تفسیر آیه، به روایت استدلال نشده است. (بشردوست، ۱۳۸۰: ۹۹) این دیدگاه، در مقدمه تسنیم چنین بیان شده است:

بایستی قرآن را که تبیان هر چیزی است ابتدا با قطع نظر از هر کلام دیگر حتی روایات بازیابی کرد و همه قرآن را در یک آیه خاص دید و آنگاه تفسیر قرآنی مغض عرضه شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۳ / ۱)

ایشان در ادامه می‌نویسد:

در این کتاب قبل از توجه به هر علمی و کلامی حتی سخن معصوم ﷺ مستقیماً تنها به آیات الهی نگریسته می‌شود تا تفسیر قرآن به قرآن محقق گردد. (همان: ۲۴)

بر همین اساس، در تفسیر تسنیم برای بیان مطالب، چهار بخش در نظر گرفته شده است: گزیده تفسیر؛ لطایف و اشارات و بحث روایی. (بشردوست، ۱۳۸۰: ۹۷ و ۹۹؛ فهیمی‌تبار، ۱۳۸۷: ۱۵) براساس این تفکیک در بحث تفسیری؛ یعنی بخش «تفسیر» به روایت استناد نمی‌شود (بشردوست، ۱۳۸۰: ۹۹) و در پایان بیشتر قسمت‌ها، بخش مستقلی با عنوان «بحث روایی» به روایات تفسیری اختصاص یافته (فهیمی‌تبار، ۱۳۸۷: ۲۶) تا معرفتی که ائمه ﷺ در خصوص هر آیه القا کرده‌اند، در فصلی مستقل طرح شود. (بشردوست، ۱۳۸۰: ۹۹) به این ساختار در مقدمه تفسیر نیز اشاره شده است. (جوادی آملی، همان: ۲۳)

در این مقاله با کنکاشی در تفسیر تسنیم و مطالعه موردی تفسیر سوره بقره، به دنبال پاسخ به این سؤال است که مفسر تا چه میزان به مبنای خویش در تفکیک جایگاه روایات از بخش تفسیر و عدم استفاده از روایات در روش تفسیری قرآن به قرآن در تسنیم پاییند است؟ و در صورت عدم التزام به آن، آیا این کار را می‌توان نقضی بر ادعای قرآن‌بستگی و استقلال کامل روش تفسیری قرآن به قرآن در تفسیر دانست؟

### روایات در تفسیر تسنیم

مفسر در تفسیر تسنیم، حجیت خبر واحد را فقط در عرصه احکام پذیرفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱ / ۱۵۶) و در دیگر زمینه‌ها، پذیرش روایات را متوقف به تواتر و یا قرائی قطعیه کرده که چنین روایاتی را هم بسیار نادر دانسته است. (همان: ۷۷) از آنجاکه در مبانی تفسیری مؤلف، تفسیر قرآن از امور علمی تلقی شده که ظلون در آن حجت نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲ / ۱۲۵)، ممکن است ادعا شود که کاربرد روایات غیرفقهی در این تفسیر بسیار محدود و یا کاربرد روایات، منحصر در تفسیر آیاتی است که در موضوع احکام بوده و در بخش «بحث روایی» گرد آمده‌اند، درحالی که بررسی تفسیر تسنیم، نتیجه‌گیری یادشده را قابل مناقشه می‌سازد؛ زیرا در عمل، «بحث روایی» در تفسیر تسنیم هم به لحاظ کیفی عمیق است و

هم به لحاظ کمی، به طوری که به عنوان مثال ۴۰ صفحه به بحث روایی درباره شفاعت اختصاص یافته (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۲۱ / ۴: ۳۲۰ - ۲۸۰)؛ افزون بر اینکه از روایات در مباحث «لطایف و اشارات» استفاده شده، (پیروزفر و ناجی صدره، ۱۳۹۱: ۱۱۷ - ۱۱۸) روایات استفاده شده در بخش تفسیر قرآن به قرآن نیز کم نیست.

مقالاتی که تا کنون درباره کاربرد روایات در تفسیر تسنیم منتشر شده، کاربرد روایات را در «مبحث روایی» با نیم‌نگاهی به مباحث اشارات و لطایف مورد بررسی قرار داده‌اند و تا به حال تحقیقی با محتوای استفاده مفسر از روایات در مبحث «تفسیر»، مشاهده نشده است، درحالی که با بررسی تفسیر تسنیم می‌توان مواردی را یافت که ناقض این تفکیک است و در بخش «تفسیر» ناچار از روایات استفاده شده است. از این موارد می‌توان نتیجه گرفت که کاربرد روایات در تفسیر تسنیم، منحصر به «مبحث روایی» و «آیات الاحکام» و بخش «لطایف و اشارات» نیست، بلکه چنان‌که اشاره شد مفسر در تفسیر برخی آیات نیز ناچار از روایات استفاده کرده است که در ادامه شواهد این ادعا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### تعیین مصاديق با بهره‌گیری از روایات

صدق را در اصطلاح، فردی از حقیقت مفهوم (حسینی تهرانی، ۱۳۶۵: ۹۰) یا مجموعه اشیاء عینی که معنا یا مفهوم، دال بر آنها است، دانسته‌اند. (خاتمی، ۱۳۷۰: ۲۰۴) به عبارت دیگر مفهوم همان معنای در ذهن و مصدق، معنای مجسم شده در واقعیت خارجی است. (مدرسی، ۱۹۷۷: ۴۴۳)

در میان مفسران اختلاف است که آیا بیان مصدق را می‌توان تفسیر بهشمار آورد؟

برخی چون ابن‌تیمیه و رشیدرضا تصور کرده‌اند که چون مدلول‌های الفاظ آیات از مقوله مفاهیم ذهنی و دارای مصدق‌های خارجی هستند، دلالت آیات بر مفاهیم ذهنی، تفسیر و علم به حقایق عینی این مفاهیم و الفاظ، تأویل است. (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۳ / ۱۴۵ - ۱۴۲؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۱۲۷) ابن‌تیمیه در کتاب *اکلیل می‌نویسد*:

خبر برای معنای خود، صورتی علمی دارد که جایگاه وجود آن در همان عالم است، مثل ذهن انسان، سپس این معنای ذهنی واسطه یا نشانه‌ای برای حقیقتی خارجی می‌شود و تأویل، همان حقیقت خارجی است. (ابن‌تیمیه، بی‌تا: ۲۱)

او در جایی دیگر تصریح می‌کند که مصدق، تأویل بهشمار می‌آید:

اگر از کلامی طلب اراده شده باشد، تأویل آن همان فعل مطلوب و اگر خبری اراده شده

باشد، تأویل آن، همان چیزی است که از آن، خبر داده شده است ... پس تأویل نفس امور موجود در خارج است، چه در گذشته باشد و چه در آینده. (ابن تیمیه، بی‌تا: ۲۸)

در تفسیر *المیزان* نیز برخی از روایات واردہ از ائمه<sup>علیهم السلام</sup> که از نوع ذکر مصدق هستند، تفسیر قرآن بهشمار نیامده و درباره آنها گفته شده است:

این روایت از قبیل اشاره به بعضی از مصادیق آیه است و دسته‌ای از اخبار از طریق شیعه وارد شده که مفردات آیه را بر پیامبر<sup>صلوات الله علیه و آله و سلم</sup> و ائمه<sup>علیهم السلام</sup> منطبق می‌سازد. این‌گونه اخبار از قبیل بیان مصادیق است نه تفسیر آیه. (اوی و میرجلیلی، ۱۳۸۱: ۲۳۸)

در برابر، برخی بر این باور هستند که بیان مصدق، تفسیر بهشمار می‌آید، ایشان از تفسیر، معنای حاصل مصدری آن را که حاصل تلاش مفسر برای کشف و بیان مراد الهی از آیات قرآن است، اراده کرده است. در این تعریف، تفسیر شامل سه بخش دانسته شده است:

۱. کشف مفاد استعمالی آیه؛

۲. کشف مراد جدی خدای متعال، در مواردی که مبهم باشد و مفاد استعمالی آیه ابهامی نداشته باشد؛

۳. گاهی کلام خدای سبحان مربوط به مصدق خاصی است که در چنین مواردی بیان مصدق

موردنظر خدا چون در دایره مراد جدی قرار می‌گیرد، تفسیر محسوب می‌شود. (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۰۷)

برخی نیز معتقدند که مصدق یا مدلول دلالت لفظی آیه است و یا نیست که در حالت نخست، تعیین

آن، تفسیر و در حالت دوم، تأویل است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۱۲۷)

آیت‌الله جوادی آملی در کتاب *سرچشمہ اندیشه*، پس از اینکه تأویل را به معنای ارجاع و برگرداندن و آن را مفهومی جامع دانسته که مصادیق فراوان دارد، ارجاع در محدوده ذهنی را تفسیر و ارجاع به وجود خارجی را تطبیق نماید. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۳) به نظر می‌رسد که ایشان تفسیر و بیان مصدق را از هم تغییک می‌کند. وی می‌نویسد:

۱. گاهی ارجاع در محدوده ماهیت یا مفهوم ذهنی است که در شناخت ماهوی چیزی؛ اعم از حد و رسم به کار می‌رود یا در شناخت مفهومی استعمال می‌شود. از این رهگذر، گاهی تأویل را همتای تفسیر دانسته و این دو را مقارن هم می‌دانند.

۲. گاهی ارجاع در محور مصدق خارجی معنای لفظ است؛ نه در مدار مفهوم ذهنی که در مرحله تطبیق معنا بر مصدق به کار می‌رود؛ مثلاً تأویل جمله خبری، همان تحقق «مخبر عنہ» است و تأویل جمله انشایی، همان امثال امر یا نهی و مانند آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۳)

از این عبارت‌ها چنین برداشت می‌شود که ایشان بیان مصدق را از قلمرو تفسیر خارج می‌داند، ولی بررسی تفسیر تسنیم روشن می‌سازد این بیان کلی با تقسیم‌بندی دقیق‌تری تفصیل داده شده و در نتیجه بیان برخی از مصاديق، جزء تفسیر دانسته شده است. توضیح کوتاه اینکه در بخش‌های مختلف تفسیر تسنیم از انواع مختلف مصدق یاد شده، همچون مصدق فی الجمله، مصدق باطنی، مصدق بارز و روشن، مصدق غیر منحصر، مصدق کامل و مصدق تمام و منحصر (جوادی آملی، ۱۳۸۸ / ۱: ۱۶۹؛ ۱۳۸۹ / ۶: ۲۳۷ و ۲۸۷ و ۳۹۵ و ۵۱۲ و ۵۱۵؛ ۱۳۴۰ / ۱۲؛ ۴۹۸ / ۱۴؛ ۱۵۲ / ۱۳؛ ۵۲۳ / ۲۱؛ ۶۵۰ / ۲۱) از میان این مصاديق، بیان مصدق تمام و منحصر، تفسیر بهشمار آمده است، (جوادی آملی، ۱۳۸۹ / ۱۲: ۱۹۲ / ۱۹۲) البته تعریفی از این عنوان - شاید بهدلیل وضوح - ارائه نشده است. توضیحی که از سوی مفسر در تبیین فرق جری و تفسیر ارائه شده، شاید بتواند در تبیین مفهوم مصدق تمام و منحصر یاری کند:

تطبیق درجات و کمال ایمان بر عترت طاهره<sup>علیه السلام</sup> در روایات، تفسیر مفهومی قرآن نیست، بلکه بیان مصدق کامل آیات آن است، مگر نشان حصر موجود باشد؛ مانند آیه تطهیر، نیز تطبیق آیات ذم و توبیخ و قدح بر امویان و عباسیان، معرفی مصدق بارز این‌گونه آیات است نه تفسیر مفهومی و حصر، از این‌رو هر گروه یا مکتب حق یا باطنی تا قیامت ظهور کند، مصدق دسته‌ای از آیات و این همان «جری» است. «جری» با «تفسیر» متفاوت است: «جری» تطبیق اصل کلی بر فروعات و مصاديق آن است، بنابراین انطباق آیه بر شخص یا گروه در روایات، «جری» است نه تفسیر. «تفسیر» برای تبیین معانی و مستعمل‌فیه الفاظ است، نه بیان مصاديق خارجی که هرگز مستعمل‌فیه الفاظ نیستند و از نوع تطبیق است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ / ۱۳: ۱۵۲)

با بررسی مواردی که مفسر از آنها به عنوان مصدق تمام و منحصر - که تفسیر است - یاد کرده، دانسته می‌شود که از نظرِ ایشان مصاديق آیات ولايت، مبالغه و تطهیر، مصاديق منحصر و تمام هستند، (جوادی آملی، ۱۳۸۸ / ۱: ۱۶۹) زیرا با آنکه در این آیات عنوان عام است به جریانی خاص اشاره دارد و اساساً مفهوم عام در آنها قابل تصور نیست. (رجبی، ۱۳۸۳ / ۱۲۶)

آن دسته از معتقدان به روش تفسیری قرآن به قرآن که بیان مصاديق را تفسیر دانسته‌اند، گفته‌اند که در بیان مصاديق آیات نیز باید در چارچوب تفسیر قرآن به قرآن عمل کرده، (رستمی، ۱۳۸۰ / ۱: ۱۳۶) در حالی که بعضی دیگر معتقد‌ند، چون مصاديق برخی آیات نامعلوم است، در تعیین و شناخت دقیق آنها به روایات نیاز است. (بابایی، ۱۳۸۶ / ۲) در تفسیر تسنیم با توجه به تفکیک میان جایگاه تفسیر قرآن به قرآن از مباحث روایی، انتظار می‌رود که بیان مصاديق با استفاده از روایات، در بخش «بحث روایی» و بیان مصاديق با استفاده از آیات قرآن در بخش «تفسیر» صورت گرفته باشد اما در مواردی ملاحظه

می‌شود که تعیین مصدقابا روایات در بخش «تفسیر قرآن به قرآن» صورت گرفته است که می‌توان آن را نقضی بر این روش یا دست کم عدم التزام عملی مفسر به لزوم تفکیک بحث روایی از بخش تفسیر و روش تفسیری قرآن به قرآن دانست. در ادامه به مواردی از نقض این روش و عدم التزام عملی مفسر گران‌قدر به لزوم تفکیک یادشده در ذیل تفسیر سوره بقره اشاره می‌شود.

### صادیق گام‌های شیطان

ایشان در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوْا فِي السَّلَمِ كَافَةً وَلَا تَنْبِغُوا خُطُوْاْتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره / ۲۰۸) می‌نویسد:

قرآن کریم که تبیان و روشن کننده هر چیزی است، گام‌ها و راه‌های شیطان را در آیات گوناگون، روشن و مبرهن بیان کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰ / ۲۷۵)

ایشان پس از بر شمردن چهار مصدقابرا گام‌های شیطان جهت تخریب و به فساد کشیدن افراد و جامعه که از قرآن کریم برداشت شده است، می‌افزاید:

گام‌های شیطان به این موارد اختصاص ندارد، بلکه با توجه به روایات معصومان عليهم السلام هرگونه گناه و معصیتی، چه فردی یا اجتماعی از گام‌ها و راه‌های نفوذی شیطان به شمار می‌رود؛ مانند نگاه به نامحرم، القای شباهات، تحریک شهوات، بدعنتگذاری، تعصب بی‌جا و بی‌بندوباری. (همان: ۲۷۷ - ۲۷۶)

اگرچه این مصادیق، مصادیق منحصر نیستند، ولی مفهوم جامع آنها که همانا گناه و نافرمانی الهی است، مصدقابرا و تام گام‌های شیطان است و مراد جدی آیه بوده و تفسیر بهشمار می‌آید.

### تعیین درخت ممنوع

تفسیر در ذیل آیه «وَقُلْنَا يَا آدُمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجَكَ الْجَنَّةَ وَكُلُّ مِنْهَا رَغْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَكُلُّكُُنَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره / ۳۵) پس از طرح این پرسش که «شجره ممنوعه چه بوده؟» و ذکر تفاسیر گوناگون از آنکه همگی مستند به روایات هستند و غیرقابل جمع بهنظر می‌رسند، با استناد به روایتی از امام رضا عليه السلام میان آنها جمع و مصدقابرا - که درخت بهشتی است - مشخص کرده است، در آن روایت آمده که درخت مذبور مانند درخت‌های دنیا نیست تا یک میوه داشته باشد، بلکه درخت بهشتی، هر میوه‌ای بخواهید، می‌دهد:

إنَّ شَجَرَةَ الْجَنَّةِ تَحْمِلُ أَنْوَاعًا وَكَانَتْ شَجَرَةَ الْحَنْطَةِ وَفِيهَا عَنْبٌ لَيْسَ كَشْجَرَةَ الدُّنْيَا.  
 (صَدُوقٌ، ۱۳۷۸ / ۱: ۳۰۶ - ۳۰۷ و ۱۳۶۱ / ۱۲۴:)

ایشان سپس می‌نویسد:

از روایت امام حسن عسکری علیه السلام بر می‌آید که درخت ممنوع، شجره علم محمد و آل محمد علیهم السلام بود که از مختصات آن بزرگواران است؛ شجره‌ای که هم حامل میوه‌های معنوی است و هم میوه‌های مادی و هرکس با اذن خدا از آن تناول کند علم اولین و آخرین نصیبیش می‌شود و هرکس بدون اذن خدا از آن بخورد به مقصود خویش نمی‌رسد و اهل عصیان است.

اگرچه مفسر شرح روایات را به بخش «بحث روایی» حواله داده، (جوادی آملی، ۱۳۸۹ / ۳: ۳۴۳ - ۳۴۲) ولی همین که در بخش تفسیر برای تعیین مصدق تام شجره ممنوعه از آنها بهره جسته است، نشانگر ضرورت استفاده از روایت در این بخش از تفسیر است که موجب شده، مفسر در مبنای خود استثنای قائل شود و مصدق درخت مزبور را در بخش تفسیر قرآن به قرآن از روایات جستجو کند.

#### تعیین صلاه الوسطی

تفسیر تفسیر تسنیم در تبیین مراد از آیه «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَاةِ وَالصَّلُوةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِللهِ قَانِتِينَ» (بقره / ۲۳۸) پس از ذکر وجوهی که در تعیین «الصلاه الوسطی» از سوی مفسران ارائه شده است، تنها وجهی را که مستند به روایت است، پذیرفته و می‌نویسد: «تنها وجهی که پشتونه روایی دارد، نظریه مشهور امامیه است که «صلاه وسطی» همان نماز ظهر است». (جوادی آملی، ۱۳۸۷ / ۱۱: ۴۶۸)

روشن است که مصدق «الصلاه الوسطی» منحصر و تام است.

#### تعیین معنای واژگان با بهره‌گیری از روایات

در تفسیر تفسیر تسنیم برای تعیین معنای واژگان به کار رفته در آیات قرآن کریم - از جمله تعیین گستره و قیدهای وضع واژه و نیز تعیین حقیقت شرعی یک اصطلاح - به روایات استناد شده است که به مواردی از این کاربردها اشاره می‌شود.

#### معنای واژه ارحم

در ذیل آیه «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِبِيَّنِهِ وَيَنْهَا وَمَا أَمْرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَّلُ» (بقره / ۲۷) یکی از

مصدقه‌های «قطع آنچه خدا به پیوند آن فرمان داده» قطع رابطه با ارحام ذکر شده و در تبیین اینکه ارحام چه کسانی هستند از روایات استفاده شده است:

مراد از ارحام؛ اعم از نزدیکان نسبی و سببی است؛ زیرا در برخی نصوص و خطبه‌های عقد، خویشاوندان سببی نیز در حکم ارحام نسی ذکر شده‌اند، مثلاً از بیانی که رسول خدا<sup>علی‌الله‌آمد</sup> در مراسم عقد ازدواج حضرت فاطمه<sup>علی‌الله‌آمد</sup> و علی بن ابی طالب<sup>علی‌الله‌آمد</sup> دارد و یا از خطبه‌ای که در مراسم عقد ازدواج حضرت امام جواد<sup>علی‌الله‌آمد</sup> ایجاد شد، برمی‌آید که خدای سیحان مصاهره «دامادی» را نسب لاحق می‌داند: «جَعْلَ الْمَصَاهِرَ نُسْبًا لَاحْقًا».<sup>۱</sup> پس انسان موظف است ارتباط خود را با ارحام سببی نیز قطع نکند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ / ۲ : ۵۵۹)

#### معنای واژه صاعقه

در ذیل آیه «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُؤْمِنَ لَكَ حَقٌّ نَرَى اللَّهَ جَهْرًا فَأَخَذَتُكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (بقره / ۵۵) به بررسی احتمال‌های مختلفی که در تفسیر واژه «صاعقه» ارائه شده پرداخته و با اتكاء به روایتی از امام رضا<sup>علی‌الله‌آمد</sup> یکی از آنها را تأیید و نتیجه‌گیری می‌کند: «مطابق روایت امام رضا<sup>علی‌الله‌آمد</sup> احتمال دوم - آتشی که از آسمان نازل شد و آنها را سوزاند - قبل تأیید است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ / ۴ : ۴۹۲) زیرا در بخشی از آن روایت از امام رضا<sup>علی‌الله‌آمد</sup> نقل شده: «فَأَخَذْتُهُمُ الصَّاعِقَةَ فَاحْتَرَقُوا عَنْ آخِرِهِمْ» (صدوق، ۱ / ۱۶۱ و ۱۳۷۸ : ۱۳۹۸ و ۱۴۲۴ : ۱۳۹۵) (کلینی، ۱۳۶۵ / ۶ : ۴۳۵)

#### معنای واژه میسر

ایشان شرح آیه «لَيَسْكُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَلَمَسِيرِ قُلْنَ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرٌ مِنْ نَعْهِمَا» (بقره / ۲۱۹) به توضیح معنای واژه «میسر» پرداخته و پس از طرح وجوهی که در معنای آن ذکر شده، معنای آن در اصطلاح شرعی با استناد به روایتی از امام رضا<sup>علی‌الله‌آمد</sup> هر نوع قمار، تعیین شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۷ / ۱۱ : ۵۴) که حضرت در آن می‌فرماید «کل ما قوم‌علیه فهو میسر» (کلینی، ۱۳۶۵ / ۶ : ۴۳۵)

#### کاربرد روایات در موارد دیگر

افزون بر کشف مصادیق و نیز پرده‌برداری از معنای واژگان، در مواردی دیگری نیز برای تفسیر از روایات استفاده شده است که نمونه‌هایی از آنها ذکر می‌شود.

۱. در روایتی که ازدواج امیر مؤمنان<sup>علی‌الله‌آمد</sup> و حضرت زهرا<sup>علی‌الله‌آمد</sup> در آن حکایت شده، این عبارت آمده است: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمَصَاهِرَ نُسْبًا لَاحْقًا». (اربلی، ۱۳۸۱ / ۱ : ۳۴۹)

### تفسیر واژه حطه

تفسیر در ذیل آیه «وَإِذْ قُلْنَا اذْخُلُوا هُنْدِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِظَّةً نَفْعِرَ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَتَرِيدُ الْمُحْسِنِينَ» (بقره / ۵۸) این نظر را نقل می کند که بنی اسرائیل هنگام ورود از دری خاص، متبعد به تلفظ عین لفظ «حِظَّه» شدند. وی در نقد آن می نویسد:

لغت نبطیان، عبری یا سریانی و مانند آن بوده، نه عربی، حال این که «حِظَّه» واژه‌ای عربی است. بنابراین، ظاهرًا مقصود، استغفار و درخواست حط و ریزش گناهان است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ / ۴: ۵۵۲)

سپس تصریح می کند:

اثبات تعبد به لفظ خاص - حطه - و استفاده آن از ظاهر آیه آسان نیست، مگر اینکه روایات معتبر عهددار چنین اثباتی باشند.

سپس برای اثبات آن به روایات منقول از طریق شیعه و عامه استناد می نماید. (همان: ۵۶۴) در اینجا دو نکته قابل ذکر است:

نخست اینکه اثبات تعبدی بودن ذکر واژه «حِظَّه» چون مربوط به امت اسلام نیست و تنها در تعیین اینکه چرا بنی اسرائیل در تبدیل آن مورد توبیخ و سرزنش قرار گرفته‌اند، نقش دارد، امری فقهی به شمار نمی‌رود و موضوعی تفسیری است؛

دوم اینکه در عبارت «استفاده آن از ظاهر آیه آسان نیست»، ظاهراً واژه «آسان» به عنوان متضاد واژه «دشوار، مشکل و سخت» به کار نرفته است، بلکه «آسان نبودن» در اینجا به معنای «ممتنع و غیر ممکن بودن است»<sup>۱</sup>، قرینه این معنا آن است که مفسر موظف به اجتهاد در کشف مراد الهی است و در معنای «اجتهاد» به کار گرفتن حداکثر توان - استفراغ وسع - برای دستیابی به مراد الهی اخذ شده (حلی، ۱۴۰۴: ۲۴۰؛ کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۲ / ۴۳) و معلوم نیست انتخاب راه آسان، مفسر را به حقیقت برساند، اگر انتخاب راه آسان برای تفسیر قرآن و اکتفا به آن از سوی مفسر جایز باشد، در این صورت به هیچ روی نمی‌توان ادعا کرد که مراد الهی در چنین تفسیری کشف شده است. پس فرض بر این است که مفسر از همه راه‌های ممکن برای کشف مراد الهی بهره برد و اگر از راهی غیر از تمسک به روایات معتبر تمکن داشت، ذکر می‌کرد و اگر راهی دیگر یا چند راه را در کشف مراد الهی مورد استفاده ایشان قرار گرفته و

۱. چنان‌که عرب سهل را در برابر ممتنع به کار می‌برند. (سهول و ممتنع)

تنها یکی و آن هم آسان‌ترین راه را ذکر کرده باشد، نوعی اغراء به جهل مخاطب بهشمار می‌رود که از شان مفسر تسنیم بهدور است. بنابراین، عبارت مذکور اعتراف و اذعان به عدم امکان دسترسی به مراد الهی بدون استفاده از روایات است.

از این دو مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که مفسر در تفسیر این بخش، خود را ناچار به استفاده از روایات دیده و تفسیر قرآن به قرآن را در آن ناکارآمد یافته است.

### حقیقت فضیلت

در تفسیر آیه «تَلَكَ الرُّسُلُ فَصَلَنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (بقره / ۲۵۳) معنای «فضیلت» مورد بررسی قرار گرفته و مراد از آن با استناد به روایتی از امیرمؤمنان رض که فرموده است «وَاللَّهُ لَهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ إِمَرَّتِكُمْ، إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًاً أَوْ أُدْعَ بِأَطْلَالًا» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۳) «کمال وجودی حقیقی» دانسته شده است:

مراد از فضیلت، مقام‌های اعتباری مانند ریاست یک سازمان اداری نیست؛ زیرا هرچند در اسلام پس از مقام نبوت و رسالت، مقامی بالاتر از خلافت و رهبری مردم نیست، بلکه خلافت و اداره نظام مسلمانان بر جسته‌ترین مقام است، با این همه، امیرمؤمنان رض در مقام قیمت‌گذاری آن، لنگه کفش وصله‌دار را از آن بهتر دانسته است ... زیرا لنگه کفش وجود تکوینی و واقعی دارد و می‌توان با آن راه رفت، ولی عنایون اعتباری که حدوث و زوال آن فقط در قلمرو انسا است، کار لنگه کفش وصله‌دار را هم نمی‌کند.  
(جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲ / ۳۸)

در اینجا اگرچه مراد استعمالی و جدی واژه «فضیلت» ابهامی ندارد، ولی همین مفهوم روشن، دارای مراتبی است که مفسر با استفاده از روایت، وجهی از مرتبه موردنظر آیه را مشخص ساخته است.

### نتیجه

موارد و نمونه‌های ذکر شده، نشانگر آن است که کارآمدی روش تفسیری قرآن به قرآن فی الجمله است نه بالجمله؛ به عبارت دیگر این روش در همه آیات و موارد راه‌گشا و کارآمد نیست و اگر مفسر بخواهد به مراد پروردگار در برخی آیات دست یابد، ناچار است از روایات بهره ببرد، چنان که در تفسیر تسنیم به عنوان نسخه تکامل یافته تفسیر المیزان در روش تفسیری قرآن به قرآن، بهره‌گیری از روایات، نه اندک است و نه منحصر در «بحث روایی» و آیات الاحکام، بلکه علی‌رغم تلاش مفسر برای جداسازی جایگاه دو «مبحث قرآنی» و «مبحث روایی» از نظر تدوین و رعایت این تمایز، در بیان معانی قرآن برای یاری

گرفتن از خود قرآن و عدم استدلال به روایات در تفسیر آیات، مواردی وجود دارد که نشان می‌دهد این تلاش بهطور کامل مشمر ثمر نبوده و در برخی موارد از روایات در مبحث قرآنی استفاده شده است. عمدۀ کاربرد روایات در بخش «تفسیر» تفسیر تسنیم، برای تعیین برخی مصاديق یا تبیین معنای واژگانی است که در معنای آنها ابهام وجود داشته است. بر این اساس، این موارد می‌توانند عدول از مبنای مفسر در تفکیک جایگاه تفسیر قرآن به قرآن و نقضی بر ادعای قرآن‌بسندگی و استقلال کامل روش تفسیر قرآن به قرآن باشد.

## منابع و مأخذ

### الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، دار الهجره.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحليم، بی‌تا، الاکلیل فی المتشابه والتأویل، اسکندریه، دارالایمان.
- اوسي، على و سيد حسين ميرجليلي، ۱۳۸۱، روش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل.
- بابایی، على اکبر، ۱۳۸۶، مکاتب تفسیری، تهران و قم، سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، سرچشمۀ انداشه، قم، اسراء، چ ۵.
- ———، ۱۳۸۷، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
- حریری، محمد یوسف، ۱۳۸۴، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، قم، هجرت، چ ۲.
- حسینی تهرانی، سید هاشم، ۱۳۶۵، توضیح المراد، تهران، مفید، چ ۳.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۰۴ق، مبادئ الوصول إلى علم الأصول، قم، المطبعة العلمية.
- خاتمی، احمد، ۱۳۷۰، فرهنگ علم کلام، تهران، صبا.
- رجبی، محمود، ۱۳۸۳، روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رستمی، على اکبر، ۱۳۸۰، آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معمومان علیهم السلام، رشت، کتاب مبین.
- رشیدرضا، محمد، ۱۹۹۰م، تفسیر المنار، مصر، الهیئة المصرية العامة للكتاب.
- شاهرودی، عبدالوهاب، ۱۳۸۳ق، ارغون آسمانی، جستاری در قرآن، عرفان و تفاسیر عرفانی، رشت، کتاب مبین.
- صدوق، محمد بن حسین، ۱۳۷۸ق، عيون أخبار الرضا علیهم السلام، بی‌جا، جهان.

- علوی‌مهر، حسین، ۱۳۸۱، روش‌ها و گرافیش‌های تفسیری، قم، اسوه.
- —، ۱۳۸۴، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۳، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
- . ۳. چ
- قرضاوی، یوسف و عبدالعزیز سلیمی، ۱۳۸۲، قرآن منشور زندگی، تهران، احسان.
- کرکی عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۴ ق، جامع المقاصلد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل‌البیت ع،
- . ۲. چ
- کمالی دزفولی، سید علی، ۱۳۵۴، قانون تفسیر، تهران، کتابخانه صدر.
- مدرسی، محمد تقی، ۱۹۷۷ م، المنطق الاسلامی اصوله و منهاجه، بیروت، بی‌نا.
- معرفت، محمد‌هادی، ۱۳۷۴، آموزش علوم قرآن ترجمه التمهید فی علوم القرآن، ترجمه ابو محمد وکیلی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مهدوی‌راد، محمدعلی، ۱۳۸۲، آفاق تفسیر مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی، تهران، هستی‌نما.
- نویا، پل و اسماعیل سعادت، ۱۳۷۳، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- . ب) مقاله‌ها
- بشردوست، علی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰، «معرفی اجمالی تفسیر تسنیم»، آینه پژوهش، ش ۶۷، ص ۸۲ - ۱۰۶، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- پیروزفر، سهیلا و طاهره ناجی صدره، ۱۳۹۱، «جایگاه روایت در تفسیر تسنیم»، حدیث پژوهی، ش ۸، ص ۱۱۰ - ۱۴۰، کاشان، دانشگاه کاشان.
- فهیمی تبار، حمیدرضا، ۱۳۸۷، «روش‌شناسی تفسیر تسنیم»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۳ - ۳۹، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان،
- یدالله‌پور، بهروز، ۱۳۸۷، «تفسیر تسنیم در ترازوی نقد»، کتاب ماه دین، ش ۱۳۲، ص ۱۷ - ۱۰، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

